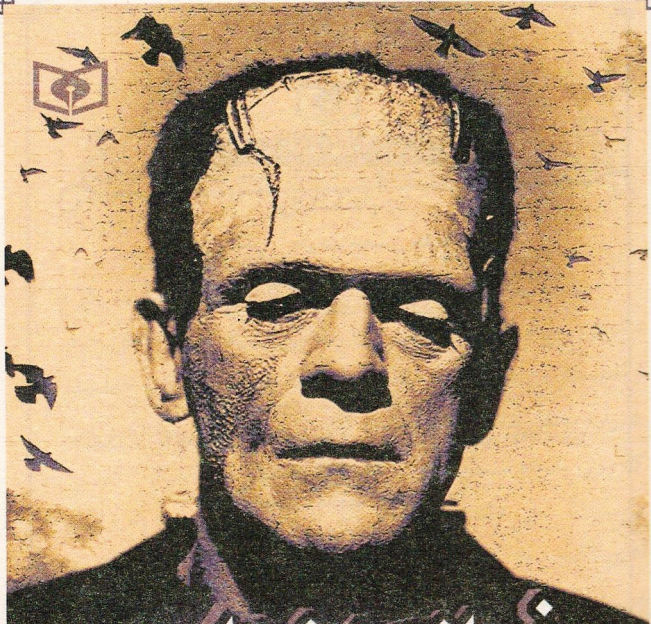


به نام خدا



فرانکنشتاین

Mary Shelley

مری شلی

ترجمه‌ی محسن سلیمانی

CLASSIC
STARTS

رمان‌های
کلاسیک

Frankenstein

نامه‌ی اول

به فانم سویل، انگلستان

سن پترزبورگ، ۱۱ دسامبر، -- ۱۷

حتماً از شنیدن اینکه در شروع کار تهورآمیزمان که تو آن قدر راجع به آن دل‌شوره داشتی، با فاجعه‌ای روبه‌رو نشده‌ایم، خوشحال خواهی شد. من دیروز به اینجا رسیدم و اولین کارم این بود که به خواهر عزیزم اطمینان بدهم که سالم هستم و هر لحظه بیشتر به موفقیت کارم اطمینان پیدا می‌کنم.

من اینک در شمال لندن، اما بسیار دور از آن هستم و وقتی در خیابان‌های پترزبورگ قدم می‌زنم، بازی باد سرد شمالی را روی گونه‌هایم حس می‌کنم؛ بادی که به من دل و جرئت می‌دهد و مرا غرق در شادی می‌کند. احساسم را درک می‌کنی؟ این باد ملایم از سرزمین‌هایی می‌آید که ما به طرف آن پیش می‌رویم و بوی دنیای پوشیده از یخ را می‌دهد. رؤیاهای روزانه‌ام با الهام از این باد امیدبخش،